

# میراث اشیری

## حیات و کارنامه اشیرالدین ابهری

مهدی عظیمی\*

### چکیده

اشیرالدین مفضل بن عمر ابهری (۵۹۰-۶۶۳ ه. ق) متکلم، فیلسوف، منطق‌دان، ریاضیدان و ستاره‌شناس پرآوازه ایرانی است که تاکنون رشر، قنواتی، آیشنر، موحد و ساری‌اغلو گزارش‌هایی ناهمگون از احوال و آثار وی بدست داده‌اند. ما در این نوشتار، با نقد پژوهش‌های پیشین و بر پایه منابع تاریخی دست اول، گزارشی یکدست و جامع از احوال و آثار وی برنگاشته‌ایم. پاره‌یی از نویافته‌های ما بدین قرارند: (۱) گاه‌شماری زندگی ابهری؛ (۲) کتابشناسی او (فهرست نسخ خطی و چاپی)؛ (۳) ارائه فهرست کاملی از استادان، شاگردان و معاصران او (۳) نقد رشر، قنواتی و ساری‌اغلو که میگویند زادبوم ابهری موصول بوده است. (۴) نقد ساری‌اغلو که میگوید ابهری را از این‌روی سمرقندی خوانده‌اند که خودش یا نیاکانش در اصل سمرقندی بوده‌اند و نقد موحد که میگوید منابع قدیم در این‌باره ساکتند. (۵) نقد ساری‌اغلو که میگوید ابهری در موصول به مدرسه ابتدایی میرفته است. (۶) نقد عسقلانی و - بتبع آن - نقد سرکیس، کردعلی و مدرس رضوی که میگویند ابهری

۱۵۱

\* استادیار دانشگاه تهران؛ mahdiazimi@ut.ac.ir

تاریخ تأیید: جلسه هیئت تحریریه ۹۲/۱۲/۶

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۸



سال چهارم، شماره سوم  
زمستان ۱۳۹۲

در حماة به ابوالفداء پناه برده است. ۷) نقد آیشنر که میگوید ابهری در موصل درگذشته است.

**کلید واژه‌ها:** اثیرالدین، ابهری، سمرقندی، مفضل بن عمر، دانشمندان مسلمان قرن هفتم

\* \* \*

## درآمد

ما در این جستار بر آنیم تا به شرح احوال و آثار اثیرالدین ابهری، یکی از دانشمندان برجسته ولی کمترشناخته‌شده تاریخ ایران اسلامی بپردازیم، در این میان، پاره‌یی از نویافته‌های خود و برخی از خطاهای پژوهشهای پیشین را بر ترازوی داوری تاریخ‌پژوهان خواهیم نهاد.

## ۱. زندگی ابهری

### ۱-۱. نام و نسب و لقب

«المفضل بن عمر بن المفضل الأبهري» نام دقیق فیلسوف، منطقدان، ریاضیدان و اخترشناس پرآوازه ماست، آنگونه که خود به دست‌خط خویش در چهار «إنهاء»<sup>(۱)</sup> که برای شاگردش کاتبی قزوینی نوشته، به ثبت رسانده است. از این نام، نسب و نسبت ابهری نیز دانسته میشود، ولی تنها باندازه چند واژه. بیش از این درباره نسبش (پدر و نیای پدریش) هیچ نمیدانیم و درباره نسبتش (ابهری) حدسهایی میتوان زد که به آنها خواهیم پرداخت. از ابهری بیشتر با لقب «اثیرالدین» یاد میشود. «اثیر» یا صفت است از فعل «أثر» بمعنای برگزیدن، که در اینصورت «اثیرالدین» یعنی برگزیده دین؛ یا معرب واژه یونانی «αἰθήρ»<sup>۱</sup> است بمعنای هوای تازه و پاک یا آسمان صاف، که نام عنصر پنجم در فیزیک ارسطو نیز میباشد؛ جوهری نابسودنی و نادیدنی که موجودات جهان زبرین از آن ساخته شده‌اند. در اینصورت، «اثیرالدین» یعنی گوهر و بن‌مایه همه سپهرهای برتر دین.

۱۵۲

1. *aitbër*

### ۱-۲. زمان ولادت (دهه ۵۹۰ ه.ق)

درباره زمان ولادت ابهری آگاهی دقیقی در دست نیست. رشر آن را حدود ۱۲۰۰ م. (۵۹۷ ه.ق) ذکر میکند<sup>(۲)</sup>، ولی رویه‌ب میگوید که «من از هیچ منبع متقدّمی که این تاریخ را تأیید کند آگاه نیستم»<sup>(۳)</sup> با این حال، از گزارش قزوینی (ف. ۶۸۲ ه.ق) در آثارالبلاد میتوان نتیجه گرفت که ولادت وی احتمالاً در دهه ۵۹۰ ه.ق بوده است.<sup>(۴)</sup>

### ۱-۳. مکان ولادت (ابهر)

اثیرالدین در آنها یادشده<sup>(۵)</sup> خود را ابهری خوانده است. از اینجا برمی‌آید که زادگاه وی با احتمال اقوی ابهر بوده است. ولی کدام ابهر؟ در کتابهای جغرافیای تاریخی از دو ابهر سخن رفته است: یکی بین قزوین و زنجان و دیگری در اطراف اصفهان.<sup>(۶)</sup> موحد و آیشنر نظرشان بر اولی است.<sup>(۷)</sup> رشر، فنواتی و ساری‌أغلو، زادبوم ابهری را موصل عراق دانسته‌اند.<sup>(۸)</sup> ولی این رأی نادرست است، زیرا ابن‌خلکان (ف. ۶۸۱ ه.ق) از خود ابهری گزارش میکند که «میگفت: من سرزمین خویش را ترک نگفتم و آهنگ موصل نکردم مگر برای اشتغال [به علم‌آموزی] نزد شیخ [کمال‌الدین بن یونس موصلی]».<sup>(۹)</sup> بنابراین موطن ابهری جایی غیر از موصل بوده و او تنها برای بهره‌گیری از درس ابن‌یونس به موصل کوچیده است. برخی از متأخران نسبت سمرقندی را هم در کنار نسبت ابهری نشانده‌اند.<sup>(۱۰)</sup> موحد درباره‌ی علت این انتساب میگوید که «در منابع قدیم هیچ گونه خبری در اینباره در دست نیست».<sup>(۱۱)</sup> ساری‌أغلو، مینویسد که «سمرقندی» در نام او نشان میدهد که او یا نیاکانش در اصل از آنجا برخاسته‌اند و با احتمال اقوی متعلق به قبیله ابهر بوده‌اند.<sup>(۱۲)</sup> ساری‌أغلو برای مدّعی خویش شاهدهی جز خود همین انتساب ندارد ولی صحت این انتساب خود مسئله است؛ مصادره بر مطلوب. اما برخلاف ادّعی موحد، از منابع قدیم خبری در دست است که میگوید ابهری مدتی در سمرقند<sup>۱۵۳</sup> زیسته<sup>(۱۳)</sup> و احتمالاً از همینروست که وی را «ابهری سمرقندی» خوانده‌اند.

### ۱-۴. زمان وفات (بین ۶۵۱-۶۶۳ ه.ق)

هدایت (ف. ۱۲۸۸ ه.ق) و اعتمادالسلطنه (ف. ۱۳۱۳ ه.ق) سال‌مرگ ابهری را

۶۷۱ هـ. ق گفته‌اند.<sup>(۱۴)</sup> حاجی خلیفه، بترتیب، سه تاریخ مختلف برای وفات ابهری ذکر میکند: ۶۰۰ هـ. ق، ۶۶۳ هـ. ق و ۷۰۰ هـ. ق.<sup>(۱۵)</sup> از این سه، رشر و قنواتی دومی و فاندیک سومی را ذکر کرده‌اند.<sup>(۱۶)</sup> اقبال آشتیانی سال ۶۶۰ هـ. ق را آورده و مدرس رضوی میگوید: «وفات او را جمعی در حیات هلاکو یعنی در حدود ۶۶۰ هـ. ق تا ۶۶۳ هـ. ق نوشته‌اند.»<sup>(۱۷)</sup> آیشنر از مدرس رضوی پیروی کرد و موحد میگوید که «ظاهراً ۶۶۳ هـ. ق قولی است که بسیاری برآندند.»<sup>(۱۸)</sup>

اما همه این منابع متأخرند و ما از منابع کهن تنها سه سند درباره تاریخ تقریبی وفات ابهری بدست آورده‌ایم. نخستین سند گزارش نسخ کشف الحقائق است.<sup>(۱۹)</sup> وی در پایان این نسخه، یادداشتی دارد که به تاریخ دوشنبه اول ربیع‌الآخر ۶۷۴ هـ. ق (= زمان پایان کتابت اثر) در قاهره نوشته شده است.<sup>(۲۰)</sup> وی در این یادداشت میگوید که کشف الحقائق را از روی نسخه «شمس‌الدین محمد بن محمود بن محمد اصفهانی، أطل الله أيامه» کتابت کرده است و شمس‌الدین اصفهانی (ف. ۶۸۸ هـ. ق) هم این نسخه را از روی نسخه منسوخ از اصل برای خودش استنساخ کرده و به تاریخ شامگاه روز جمعه ۱۲ رمضان ۶۴۶ هـ. ق در مدرسه شرفیه بغداد آن را به پایان رسانده است. ناسخ، سپس حکایتی را از زبان شمس‌الدین اصفهانی درباره ارتباط وی با ابهری نقل میکند<sup>(۲۱)</sup> و پس از آن مینویسد: «در اول ماه صفر از سال ششصد و هفتاد و چهار در مصر به شیخ امام علامه شمس‌الدین مذکور پیوستم و برای تحصیل ملازم مجلس او شدم و به من گفت که مصنف این کتاب در شبستر/شوشتر [؟] وفات کرد و بیماریش تشنج در بازویش بود که اسهال در پی داشت و تاریخ مرگش را برایم ذکر نکرد.» بدینسان مرگ ابهری مدتی پیش از ۶۷۴ هـ. ق بوده و بنابراین، همه گزارشهایی که سال مرگ او را ۷۰۰ هـ. ق گفته‌اند نادرستند.<sup>(۲۲)</sup>

۱۵۴ سند دوم در اینباره از آن حمدالله مستوفی (ف. ۷۵۰ هـ. ق) است که مینویسد: «اثیرالدین ابهری... در عهد هولاکو خان درگذشت.»<sup>(۲۳)</sup> یعنی در فاصله سالهای ۶۵۱ هـ. ق تا ۶۶۳ هـ. ق.

سند سوم را خواجه نصیر (ف. ۶۷۲ هـ. ق) بدست میدهد. او در آغاز تعدیل المعیار، پس از آوردن نام ابهری مینویسد: «رحمة الله»<sup>(۲۴)</sup> که نشان میدهد ابهری در زمان نگارش تعدیل المعیار زنده نبوده است. از سوی دیگر، کاتب در پایان نسخه کتابخانه ملک (ش).



۶۴۰ ه. ق) نوشته است که تألیف این کتاب در نیمه‌های شعبان ۶۵۶ ه. ق به پایان رسیده است.<sup>(۲۵)</sup> بنابراین، اگر این تاریخ درست و آن «رحمة‌الله» برآستی نوشته خود خواجه باشد و نه افزوده ناسخ، میتوان گفت که ابهری پیش از شعبان ۶۵۶ ه. ق در گذشته است.

#### ۱-۵. مکان وفات (شبستر یا شوشتر)

در گزارش ناسخ کشف الحقائق، محل فوت ابهری بصورت «شستر» نوشته شده و از همینرو ساری‌أغلو آن را «شبستر»، و ششین آن را «شستر» خوانده است.<sup>(۲۶)</sup> ولی چون شوشتر در متون عربی «تستر» نوشته میشود و نه «شستر»، خوانش ساری‌أغلو درست‌تر بنظر میرسد. اما این نیز میتواند باشد که «شستر» تصحیف شده «تستر» باشد و به هر روی معلوم نیست که آیشنر چرا میگوید که ابهری در موصل در گذشته است.

#### ۱-۶. استادان

##### ۱-۶-۱. کمال‌الدین موصلی

در صدر رساله من پرکار القطوع فی برکار المقطوع آمده است که ابهری این رساله را هنگامی که نزد شیخ کمال‌الدین بن یونس موصلی میخوانده تحریر کرده<sup>(۲۷)</sup> و این سندی است بر شاگردی ابهری نزد موصلی (ف. ۶۳۹ ه. ق). از این معتبرتر، گزارش ابن خلکان است که خود از شاگردان ابهری بوده است:

اثير - برغم جلال قدرش در علوم - كتاب ميگرفت و در برابر او آيعی

ابن‌یونس] مینشست و نزد او میخواند و این در حالی بود که مردم در آن

روز[ها] به تصنیفهای اثير مشغول بودند. من این را به چشم خود دیدم که او

کتاب مجسطی را نزد وی میخواند.<sup>(۲۸)</sup>

۱۵۵

از اینجا میتوان دانست که ابهری تنها برای فراگیری کیهان‌شناسی، اخترشناسی و احتمالاً هندسه و ریاضیات، به نزد موصلی رفته و هنگامی که در موصل شاگردی او را میکرده خود در شاخه‌های دیگر علوم دانشمندی نامدار و صاحب‌تألیف بوده است. بنابراین، سخن ساری‌أغلو که میگوید ابهری «در موصل به مدرسه ابتدایی رفته»<sup>(۲۹)</sup>



نادرست است. همچنین در گفته خواهد شد که ابهری حدود ۶۲۵ و ۶۲۶ ه. ق. در موصل در زمینه هندسه و ریاضیات از کمال‌الدین بهره می‌جسته و در ۶۲۷ ه. ق. رساله‌هایی در منطق و فلسفه و طبیعیات داشته که آنها را به کاتبی درس میداده است. بنابراین، ابهری در فلسفه، طبیعیات و بویژه در منطق متأثر از ابن‌یونس نبوده است.<sup>(۳۰)</sup>

#### ۱-۶-۲. قطب‌الدین مصری

ابن‌عبری (ف. ۶۸۵ ه. ق.) فهرستی از شاگردان فخرالدین رازی (ف. ۶۰۶ ه. ق.) را ارائه می‌دهد که نام اثیرالدین ابهری نیز در آن دیده میشود.<sup>(۳۱)</sup> دغیم و موحد برپایه همین گزارش، ابهری را شاگرد رازی شمرده‌اند.<sup>(۳۲)</sup> نورانی، حلبی، آیشنر و ساری‌أغلو نیز همین دعوی را تکرار میکنند.<sup>(۳۳)</sup> ولی رشر میان آن دو (دست‌کم در منطق) هیچ‌گونه پیوند استاد - شاگردی یا جز آن ندیده است.<sup>(۳۴)</sup> رویهب گفته ابن‌عبری را با توجه به این واقعیت که ابهری در زمان وفات فخر رازی کودک بوده است، منتفی میداند. وی با استناد به گزارش صفدی (ف. ۷۶۴ ه. ق.) می‌گوید: «سند داریم که ابهری نزد شاگرد فخرالدین رازی، قطب‌الدین مصری، تحصیل کرده است و نه پیش خود رازی».<sup>(۳۵)</sup>

#### ۱-۷. شاگردان

##### ۱-۷-۱. نجم‌الدین کاتبی قزوینی (ف. ۶۷۵ ه. ق.)

ابهری در آغاز رساله *ملخص فی صناعة المجسطی*<sup>(۳۶)</sup> از کاتبی با تعبیر «عزیزترین رفیقانم نزد من» و «به‌مثابت فرزندم» یاد میکند و می‌گوید:

او مدتی از زمان را بعنوان پژوهشگر دانشهای حقیقی همنشین من بوده... و فرجام پژوهشش به نظر در صنعت مجسطی رسیده و از اینرو میخواهم که برای او چکیده‌یی از دانشهای پیشینیان را فراهم آورم.<sup>(۳۷)</sup>

همچنین در کتابخانه کوپریلی استانبول نسخه‌یی<sup>(۳۸)</sup> مشتمل بر چهار رساله از ابهری به نامهای *بیان الأسرار*، *تلخیص الحقائق*، *رسالة المطالع* و *زبدة الحقائق* که کاتبی آنها را به خط خود از نسخه اصل رونویسی کرده و ابهری به خط خود بر صدر هر چهار رساله یادداشت‌انها را برای کاتبی نگاشته است. این یادداشتها، بترتیب، تاریخهای ۴ ذی‌قعدة، ۲۵ ذی‌قعدة، ۵ ذی‌حجه و اواخر ذی‌حجه ۶۲۷ ه. ق. را نشان میدهند.

۱۵۶



همچنین کاتبی در حکمة العین در بحث وجود زمان مینویسد: «هکذا ذکره الأستاذ»؛ میرک بخاری در شرح میگوید: و هو الإمام العلامة أثير الدين الأبهري».<sup>(۳۹)</sup>

#### ۱-۷-۲. نصیرالدین طوسی

گزارش صفدی نشان میدهد که خواجه نصیر نیز - دست کم به اندازه خواندن / اشارات - نزد ابهری شاگردی کرده است.<sup>(۴۰)</sup> وی نامه نگار بهایی هم با ابهری داشته است.<sup>(۴۱)</sup>

#### ۱-۷-۳. ابن خلکان

وی میگوید که در اربیل «نزد او [یعنی ابهری] مشغول آموختن چیزی از خلاف<sup>(۴۲)</sup> بودم».<sup>(۴۳)</sup>

#### ۱-۷-۴. زکریا بن محمد بن محمود قزوینی

وی در آثار البلاد در دو جا از ابهری با عنوان «استاد ما» یاد میکند.<sup>(۴۴)</sup>

#### ۱-۷-۵. شمس الدین اصفهانی

پیش از این گفتم که ناسخ کشف الحقائق حکایتی را از شمس الدین اصفهانی درباره ارتباطش با ابهری ذکر میکند. در این حکایت، که آن را بطور کامل نقل خواهیم کرد، شمس الدین اصفهانی میگوید کشف الحقائق را نزد ابهری خوانده و در موصل نیز شاگردی او را کرده است.

#### ۱-۷-۶. جمال الدین احمد بن عیسی قزوینی

موحد میگوید که وی از شاگردان اثیرالدین است «که به سبب خدمت نزد اثیرالدین و ارتباط نزدیک با او به اثیری معروف شده بود».<sup>(۴۵)</sup>

۱۵۷

#### ۱-۸. معاصران

گفته خواهد شد که ابهری از نظر سیاسی با علاءالدین محمد خوارزمشاه (حکمرانی: ۵۹۶-۶۱۷ ه. ق.)، ملک کامل ایوبی (حکمرانی: ۶۱۵-۶۳۵ ه. ق.) و فردریک دوم،



فرمانروای سیسیل (حکمرانی: ۱۲۵۰-۱۱۹۸ م.) و از نظر علمی با رکن‌الدین عمیدی (ف. حدود ۶۱۰ ه. ق.)، زین‌الدین کشتی (شکوفایی: نیمه نخست قرن هفتم) و تاج‌الدین ارموی (ف. ۶۵۳ ه. ق.) هم‌روزگار بوده است. افضل‌الدین خونجی (ف. ۶۴۶ ه. ق.) و سراج‌الدین ارموی (ف. ۶۸۲ ه. ق.) نیز از دیگر هم‌عصران وی بوده‌اند که بویژه در منطق هم‌گراییهای چشمگیری داشته‌اند.<sup>(۴۶)</sup> آیشنر از ابو حامد محمد (ترکه) اصفهانی (شکوفایی: اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم) و قطب‌الدین اهری (ف. ۶۵۹ ه. ق.) نیز بعنوان معاصران ابهری یاد میکند.

### ۹-۱. رخدادهای زندگی

منابع تاریخی درباره رخدادهای زندگی ابهری داده‌های اندکی پیش مینهند. همه آنچه در اینباره، از اینجا و آنجا، میتوان به چنگ آورد، فهرستی از کوچ و ماندهاست که ترسیم خط زمانی آنها نیز بسیار دشوار است. سمرقند، روم (آناتولی/آسیای کوچک)، الجزیره، موصل و اربیل، نام شهرها و سرزمینهایی هستند که این فهرست را میسازند.

#### ۱-۹-۱. حضور در سمرقند (پیش از ۶۱۰ ه. ق.)

قزوینی در *آثار البلاد*، آنجا که سمرقند را توصیف میکند، از دانشمندی سمرقندی بنام رکن‌الدین عمیدی نام میبرد و میگوید که «استاد ما، اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری» وی را میستود و از چیرگی بر زین‌الدین کشتی در یک مجلس مناظره حکایت میکند. سپس درحالی که معلوم نیست راوی همچنان ابهری است یا خود قزوینی، گفته میشود که عمیدی عزم رفتن به عراق میکند ولی در نیشابور کسانی از جانب سلطان او را راضی به ماندن میکنند.<sup>(۴۷)</sup> از اینرو ابهری بجز خراسان در جای دیگری با عمیدی دیدار نداشته است. از سوی دیگر، در دنباله همین روایت گفته میشود که عمیدی در حدود ۶۱۰ ه. ق. درگذشته است. بنابراین ابهری پیش از ۶۱۰ ه. ق. یعنی در روزگار نوجوانی و جوانی در سمرقند و بسان کلّیتر، در خراسان بوده است. حال اگر بپذیریم که ابهری در این دوره دست کم ۱۵ تا ۲۰ سال عمر داشته، میتوان گمان زد که تاریخ ولادتش حدود دهه ۵۹۰ ه. ق. بوده است.

سمرقند در سالهای ۵۹۶ تا ۶۱۷ ه. ق. تحت فرمانروایی سلطان علاء‌الدین محمد

۱۵۸





خوارزمشاه بوده است. افزون بر این، زین‌الدین کشتی که هم اینک ذکرش رفت در آغاز *حدائق‌الحقائق*<sup>(۴۸)</sup> برای سلطان علاءالدین محمد دعا میکند. بنابراین، کشتی در زمان و در زمین سلطان علاءالدین محمد میزیسته و از اینجا دو نکته روشن میشود: (۱) سلطانی که از مهاجرت عمیدی جلوگیری کرده همین علاءالدین بوده است؛ (۲) روزگار نوجوانی و جوانی ابهری که مقارن با دوران شکوفایی کشتی و عمیدی بوده، همزمان با سلطنت همین علاءالدین بوده است.

در این دوره اگرچه ابهری با کشتی ارتباط داشته، بعید بنظر میرسد که شاگردی وی را کرده باشد، چون در *منتهی‌الافکار* از او با عنوان «یکی از فضلان متأخر» یاد میکند، نه استاد.<sup>(۴۹)</sup> اما اگر روایت ابن‌عبری که میگوید محل فعالیت قطب‌الدین مصری خراسان بوده<sup>(۵۰)</sup> و روایت صفدی که میگوید ابهری شاگرد قطب‌الدین مصری بوده است<sup>(۵۱)</sup> را در کنار هم بگذاریم، آنگاه میتواند روا باشد که بگوییم ابهری در همین دوره نزد قطب‌الدین مصری شاگردی میکرده است.

در زمان علاءالدین محمد خوارزمشاه، چنگیزخان مغول «به آب قهر و دمار خاک دیار ملک سلطان را ناچیز کرد».<sup>(۵۲)</sup> بدینسان سمرقند که در آن زمان اقامتگاه ابهری بود، دیگر امان نداشت و فیلسوف ما به غرب جهان اسلام کوچید.

#### ۱-۹-۲. حضور در آسیای کوچک (دهه ۶۲۰ ه. ق)

ابن‌عبری در ذکر رخدادهای سال ۶۲۶ ه. ق، فهرستی از شاگردان برجسته فخر رازی را بدست میدهد که نام ابهری نیز با قید اقامت وی در روم در آن دیده میشود.<sup>(۵۳)</sup> درباره اینکه ابهری شاگرد فخر رازی بوده یا نه، پیش از این سخن گفتیم، ولی اگر گزارش ابن‌عبری از سویه‌های دیگر درست باشد، گواه بر این است که ابهری در حدود ۶۲۶ ه. ق در روم (آسیای کوچک/آناتولی) بوده است. با وجود این، در گزارش ابن‌عبری سال ۶۲۶ ه. ق را نباید بعنوان یک تاریخ دقیق در نظر گرفت و از بافتار سخن وی نیز برمی‌آید که مقصودش تعیین یک زمان دقیق نبوده، بلکه بیشتر دهه ۶۲۰ ه. ق را در نظر داشته است؛ وگرنه گزارش او تا اندازه‌ی با روایت‌های معتبرتری که در بخش‌های بعدی خواهند آمد اصطکاک پیدا میکند.

۱۵۹



۱-۹-۳. حضور در موصل و سفر به اربیل (۶۲۵ و ۶۲۶ ه.ق.)

ابن خلکان مینویسد که «ابهری... در سال ۶۲۶ ه.ق. و پیش از آن در ۶۲۵ ه.ق. از موصل به اربیل پیش ما آمد».<sup>(۵۴)</sup> اربیل از توابع موصل بوده و با آن دو روز فاصله داشته است.<sup>(۵۵)</sup> بنابراین، ابهری پیش از ۶۲۵ ه.ق. در موصل بوده و گهگاه به اربیل نیز سر میزده است. همچنین قزوینی در آثار البلاد ذیل مدخل «موصل» حکایتی را نقل میکند که خواندنی است. او مینویسد:

و از چیزهای شگفتی که دیدم این است که فرنگ در زمان ملک کامل مسئله‌هایی به شام فرستادند و پاسخ آن را خواستند. برخی از آن مسئله‌ها طیبی، برخی حکمی و برخی ریاضی بودند. اما مسئله‌های طیبی و حکمی را اهل شام پاسخ گفتند، ولی از پاسخ به مسئله‌های هندسی ناتوان ماندند و ملک کامل خواست که پاسخ همه را بفرستد؛ ازینرو، [آن مسئله‌ها را] به موصل، به مفضل بن عمر ابهری، استاد ما، فرستادند. او در دانش هندسه بیهمتا بود ولی پاسخ بر وی دشوار آمد؛ پس آن را بر شیخ ابن یونس عرضه کرد. وی درباره آن اندیشید و بدان پاسخ گفت.<sup>(۵۶)</sup>

بر پایه گزارش ابن‌واصل این مسئله‌ها را فردریک دوم در سال ۶۲۶ ه.ق. برای ملک کامل فرستاده<sup>(۵۷)</sup> و این سند معتبر دیگری است بر اینکه ابهری در این سال ساکن موصل بوده است.

از روایت قزوینی برمی‌آید که ابهری در این زمان از شاگردی کمال‌الدین بن یونس در هندسه و ریاضیات بدر آمده و حتی از او پرآوازه‌تر شده است. پیش از این گفتیم که نجم‌الدین کاتبی در سال ۶۲۷ ه.ق. نزد ابهری درس میخوانده است. ۱۶۰ اکنون میتوان کمابیش دل‌استوار بود که این درسها نیز در همین موصل برگزار میشده است.

گویا ارتباط غیرمستقیم ابهری با فردریک دوم، سبب آشنایی زودهنگام غربیان با وی شده است. آیشنر در اینباره مینویسد که «نوشته‌های اخترشناختی و ریاضیاتی ابهری (و نیز ارتباطش با محیط فلسفی موصل و با فردریک دوم)، در همان اوایل،

توجه آثار دست دوم غربی را به خود جلب کرد.»

#### ۱-۹-۴. سفر به الجزیره

صفدی از محیی‌الدین محمد بن محمد بن سعید بن ندی جَزَری (ف. ۶۵۱ ه. ق.) نام میبرد که پدرش شمس‌الدین جزری از سوی سلطان معزالدین سنجرشاه (حکمرانی: ۵۷۶-۶۰۵ ه. ق.)، حکمران منطقه الجزیره بود<sup>(۵۸)</sup> و او پس از پدرش حکمرانی این منطقه را بدست گرفت و هنگامی که ملک کامل ایوبی دمشق را گشود و از فرات برگذشت، محیی‌الدین به دیدار او رفت و با او پیمان دوستی بست و او نیز حکمرانی الجزیره را تا پایان عمر محیی‌الدین به وی واگذاشت.<sup>(۵۹)</sup> باری، صفدی در وصف این محیی‌الدین جزری مینویسد که حامی مالی ابهری و شماری از دانشمندان دیگر بوده است. با توجه به اینکه محیی‌الدین جزری در ۶۵۱ ه. ق. درگذشته، اقامت ابهری در الجزیره پیش از این تاریخ بوده است. مدرس رضوی میگوید که ابهری «چندی در خدمت محیی‌الدین محمد بن سعید بن ندی (ف. ۶۵۱ ه. ق.) در دمشق بسر برد»<sup>(۶۰)</sup> در حالی که ابهری در الجزیره همنشین محیی‌الدین بود.

#### ۱-۹-۵. بازگشت به ایران (اندکی پیش از ۶۴۶ ه. ق.)

یکی از معتبرترین گزارشها درباره ابهری از آن شمس‌الدین اصفهانی است که از طریق ناسخ کشف الحقائق بدست ما رسیده است. این گزارش اگرچه چندان آگاهی‌بخش نیست، به گزارشهایی که تاکنون بررسی کردیم تا اندازه‌ی یکپارچگی میبخشد. ناسخ گمنام کشف الحقائق از زبان شمس‌الدین اصفهانی نقل میکند که میگوید:

این کتاب را نزد مصنفش خواندم و مدتی با او همنشین بودم و همراه با او از روم<sup>(۶۱)</sup> به موصل سفر کردم و مصنف مدتی در موصل ماند و من برای تحصیل، در خدمت او ملازم بودم. سپس مصنف به عجم<sup>(۶۲)</sup> سفر کرد و من به بغداد نقل مکان کردم و به شیخ امام علامه تاج‌الدین محمود بن ابی‌بکر ارموی پیوستم. سپس دوباره به حلب<sup>(۶۳)</sup> و از آنجا بعنوان قاضی به قلعه جَعْبَر<sup>(۶۴)</sup> و از آنجا به دیار مصر نقل مکان کردم و فرمانروایی قوص<sup>(۶۵)</sup> را در دست گرفتم.

۱۶۱



مهدی عظیمی / میراث اثیری؛ حیات و کارنامه اثیرالدین ابهری

سپس سلطان وقت مرا بعنوان حاکم به کَرک<sup>(۶۶)</sup> منتقل کرد.

از روایت بالا برمی‌آید که ابهری در همان زمانی به ایران بازگشته است که شمس‌الدین اصفهانی به بغداد رفته است. از سوی دیگر، پیش از این گفتیم که برپایه گزارش ناسخ کشف الحقائق، اصفهانی نسخه‌برداری از این کتاب را به تاریخ جمعه ۱۲ رمضان ۶۴۶ ه. ق در مدرسه شرفیه بغداد به پایان برده است و این احتمالاً اندکی بعد از اقامتش در بغداد بوده است. بنابراین، میتوان گمان زد که ابهری اندکی پیش از ۶۴۶ ه. ق به ایران کوچ کرده است.

#### ۱-۹-۶. یک گزارش نادرست

عسقلانی از ابوالفداء عمادالدین اسماعیل بن علی، معروف به ملک مؤید، یاد میکند که در حدود ۶۷۲ ه. ق در حلب زاده شده و در ۷۱۰ ه. ق از سوی ملک ناصر بن قلاوون به حکمرانی حماة گماشته شده و اثیرالدین ابهری در حماة به او پناه برده است.<sup>(۶۷)</sup> سرکیس، کردعلی و مدرس رضوی همین مطلب را تکرار میکنند.<sup>(۶۸)</sup> اما این گزارش به دو دلیل نادرست است: نخست اینکه ابهری پیش از ولادت ابوالفداء در گذشته است و دوم اینکه خود ابوالفداء کتابی بنام *المختصر فی أخبار البشر* دارد که در آن از ابهری یاد میکند ولی از این موضوع هیچ سخنی نمی‌گوید.<sup>(۶۹)</sup>

#### ۱-۱۰. مذهب و مرام

مذهب فقهی ابهری برای نگارنده معلوم نیست ولی حدس ما این است که او شافعی‌مذهب بوده است. وی در بخش پایانی تحریر دوم *منطق منتهی الأفكار* و نیز در رساله‌هایی که در علم خلاف نوشته (مانند *الرسالة الزاهرة*) به نقد پاره‌یی از ۱۶۲ استدلالهای فقهی-اصولی می‌پردازد که شاید برپایه آنها بتوان به داوری قطعی درباره مذهب فقهی او دست یافت. ولی این کار از دست نویسنده که تخصصی در این زمینه‌ها ندارد، برآمدنی نیست. با این حال، آنچه در اینجا نوشتیم دست‌کم به این اندازه سودمند است که پرسمانی را درباره زندگی و اندیشه ابهری درمی‌افکند، گمانه‌یی را در پاسخ به این پرسمان پیش مینهد و منابعی را برای پاسخ فرجامین



بدست میدهد. از نظر کلامی، براساس مطالعه‌ی که روی تنها رساله مستقل کلامی او یعنی *تحریر الدلائل فی تقریر المسائل*<sup>(۷۰)</sup> انجام داده‌ایم، میتوانیم بگوییم که ابهری یک اشعری میانه‌رو بوده است.

## ۱-۱۱. اشعار

موحد و مدرس رضوی از تذکرة عرفات العاشقین نوشته تقی‌الدین اوحدی (خطی) نقل میکنند که ابهری دیوانی سه‌هزار بیتی داشته است و مدرس میگوید که رباعی زیر به وی منسوب است:

تا کی مدد نفس بدآموز کنم      خلقی ز وجود خود غم‌اندوز کنم  
مین بعد بر آنم که به قرصی چو فلک      روزی به شب آرم و شبی روز کنم<sup>(۷۱)</sup>  
مستوفی نیز رباعی زیر را به وی نسبت میدهد:  
مسکین دل من چو محرم راز نیافت      وندر قفس جهان هم‌آواز نیافت  
اندر سر زلف ماهرویی گم شد      تاریک شبی بود و کس‌اش باز نیافت<sup>(۷۲)</sup>

## ۲. نوشته‌های ابهری

ابهری نویسنده‌ی پرکار بوده و کتابها و رساله‌های فراوانی در شاخه‌های گوناگون دانشهای عقلی نوشته است. وی نام‌آوری خود را وامدار همین نوشته‌های پرشمار است که نثری روان و رسا دارند و از همینرو، مخاطبان گسترده‌ی را به خود جذب کرده‌اند. حتی شماری از آنها سالها درس‌نامه آموزشی بوده و شرحها و تعلیقه‌های بسیاری بر آنها نوشته شده‌اند. آیشنر در یک ارزیابی کلی از نوشته‌های ابهری میگوید:

نشانه نوشته‌های ابهری اثرپذیری نیرومند از فخرالدین رازی است. بویژه یکی از آثار فخر رازی، یعنی *الملخّ صفی الحکمة*، که نقش اصلی را در انتقال فلسفه سینوی بازی کرد، نه تنها بر ابهری بلکه بر بسیاری از معاصران او، مانند سراج‌الدین ارموی، کاتبی، ابو حامد محمد (ترکه) اصفهانی و قطب‌الدین اهری اثر داشت. ابهری از جمله نخستین نویسندگانی است که آشکارا از شهاب‌الدین سهروردی نقل قول میکند؛ با وجود این، وی را نباید در شمار یکی از نخستین

نمایندگان فلسفه اشراقی، بعنوان یک مکتب کاملاً تعیین یافته، دسته‌بندی کرد. [...] آثار او همچنین بعنوان شاهدهی بکار می‌آیند بر [شکل‌گیری] روند تخصص‌گرایی فزاینده در قلمروهایی مانند منطق، ریاضیات و نجوم و بررسی آنها در رساله‌های مستقل بجای صرفاً شرح دانشنامه‌یی آنها.

باری، نوشتارگان شناخته‌شده ابهری را میتوان در چهار دسته جای داد: یکم. نوشته‌های منطقی صرف؛ دوم. نوشته‌هایی در علم خلاف<sup>(۷۳)</sup> که ارزش منطقی نیز دارند؛ سوم. سه‌گانه‌های منطقی طبیعی-حکمی؛ چهارم. (تا آنجا که ما میدانیم) یک رساله در علم کلام؛ پنجم. نوشته‌های ریاضی، هندسی، کیهان‌شناختی و اخترشناختی.

## ۲-۱. نوشته‌های منطقی صرف

### ۲-۱-۱. ایساغوجی

آن را *الرساله‌الاثیریة فی المنطق* نیز نامیده‌اند و کتابی مقدماتی در منطق است که بیشتر کارکرد آموزشی دارد و در کنار *هدایة‌الحکمة* پُر-پژواکترین کتاب ابهری بوده است. «ایساغوجی» معرب واژه یونانی «*Eἰσαγωγή*»<sup>۱</sup> بمعنای مدخل، مقدمه، درآمد و نام کتاب پرآوازه فرفورئوس درباره کلیه‌های پنجگانه (کلیات خمس) نیز هست که با عنوان *ایساغوجی* و بدست ابوعثمان دمشقی (شکوفایی: قرن سوم هجری) به عربی ترجمه شده است. بنابراین «ایساغوجی»، برخلاف گفته حاجی‌خلیفه که حلبی نیز از آن پیروی کرده<sup>(۷۴)</sup>، بمعنای کلیه‌های پنجگانه نیست، بلکه نام کتابی است درباره کلیه‌های پنجگانه. همچنین باید یادآوری کرد که *ایساغوجی* ابهری ترجمه، شرح یا بازنوشتی از کتاب فرفورئوس یا کتاب مستقلی درباره کلیه‌های پنجگانه نیست، بلکه دربردارنده دوره کاملی از ابواب منطق بشیوه دوبخشی است و جای بسی شگفتی است که قنواتی، *ایساغوجی* ابهری را «یکی از رایجترین شروح عربی *ایساگوگه* فرفورئوس» بشمار می‌آورد.<sup>(۷۵)</sup> حاجی‌خلیفه میگوید که این کتاب مجازاً، از باب اطلاق اسم جزء و اراده کلّ، یا اطلاق مظروف بر ظرف، یا نامیدن کتاب بنام مقدمه آن، *ایساغوجی* نامیده شده است.<sup>(۷۶)</sup> ولی

1. *Eisagoge*

این نیز میتواند باشد بود که چون این کتاب درآمدی به منطق است که گزارشی مقدماتی از کلّ این دانش بدست میدهد،/یساعوجی نامیده شده است.

باری، این کتاب دارای نسخه‌های فراوان، شروح بسیار و چاپهای گوناگون در کشورهای متعدد است. در جلدهای مختلف *خزانة التراث*، بیست و چهار مخطوط از این اثر معرفی شده است که از ذکر آنها خودداری میکنیم. ابهری خود شرحی بر این رساله نوشته بنام *قالأقول* که مخطوطی از آن در کتابخانه انجمن ترقی اردو (دهلی، هند) به شماره ۴۳۰ نگهداری میشود. فاندیک میگوید که ابهری خود حاشیه‌یی بر این شرح دارد به نام *معنی الطلاب فی المنطق*، که بسال ۱۲۶۰ ه.ق در قسطنطنیه چاپ شده است.<sup>(۷۷)</sup> وی میگوید که *قالأقول* به سال ۱۲۹۳ ه.ق در کانبور بچاپ رسیده است. حاجی خلیفه از یازده شرح بر *یساعوجی* ابهری نام میبرد که برخی از آنها دارای چندین حاشیه‌اند.<sup>(۷۸)</sup> وی سپس از نظمهای *یساعوجی* نام میبرد. جالب اینکه *یساعوجی* ابهری سالها پیش به باختر زمین نیز راه یافته است. قنواتی<sup>(۷۹)</sup> میگوید که پی. توماس نوارینسیس<sup>۱</sup> آن را در ۱۶۲۵ م. به همراه ترجمه‌یی لاتینی در رُم منتشر کرده است:

*Isagoge, i.e. breve introductorium arabum in scientiam logicae cum versione latina.*

وی همچنین از ترجمه انگلیسی ای. کالورلی<sup>۲</sup> در منبع زیر یاد میکند:

*D. B. Macdonald Memorial Volume, Princeton, 1933, pp. 75-85.*

و نیز از پژوهش زیر که به زبان آلمانی است نام میبرد:

C. F. Seybold, "Al-Abhari's *Īsaghūjī* und al-Fanārī's Kommentar dazu,"

*Der Islam* 92, 1919, pp. 112-15.

همچنین ساری‌أغلو/*یساعوجی* ابهری را به ترکی ترجمه کرده است:

Ebheri, *Īsaguci Mantığa Giriş*, İz Yayıncılık, Istanbul, 1998.

۱۶۵

## ۲-۱-۲. رساله‌یی بینام در منطق به زبان فارسی

محمدتقی دانش‌پژوه آن را در کنار بخش منطق *هدایة/الحکمة* با عنوان «دو رساله

1. P. Thomas Novariensis

2. E. Calverly



در منطق» به چاپ رسانده است. در *خزانه الترات* نه مخطوط از آن معرفی شده است.

### ۲-۱-۳. خلاصه الأفكار و نقاوة الأسرار

مخطوط این کتاب در کتابخانه مجلس شورا (مجموعه ش. ۲۷۵۲، ص ۴۰۷-۵۱۷) موجود است.

### ۲-۱-۴. دقائق الأفكار

مخطوط آن در مجموعه بالا (ص ۵۱۹-۵۸۰) نگهداری میشود.

### ۲-۲. نوشته‌هایی در علم خلاف

#### ۲-۲-۱. الرسالة الزاهرة في فساد مقدمات مستعملة في علم الجدل

این رساله را عظیمی نگارند و قربانی تصحیح کرده‌اند و عظیمی مقدمه و شرحی مفصل از منظر منطق جدید بر آن نوشته است. افزون بر نسخه‌های بکار رفته در تصحیح یادشده، ششن از شش نسخه دیگر نیز یاد میکند.<sup>(۸۰)</sup>

#### ۲-۲-۲. الرسالة الباهرة في الرسالة الزاهرة

ایشتر از آن نام میبرد ولی در جای دیگر نام و نشانی از آن ندیدیم.

#### ۲-۲-۳. تهذيب النکت

بر پایه گزارش حاجی خلیفه، این رساله شرحی انتقادی بر رساله *النکت فی علم الجدل* اثر ابواسحاق ابراهیم بن علی شیرازی (ف. ۴۷۶ ه. ق) است.<sup>(۸۱)</sup> ششن دو نسخه، و نورانی یک نسخه دیگر از آن را گزارش کرده‌اند.<sup>(۸۲)</sup> ما نیز دو نسخه دیگر از این رساله را بازشناخته‌ایم:

- کتابخانه دانشگاه ییل آمریکا، ش. ۱۴۱۲ (۸۷ برگ؛ تاریخ کتابت: ۱۲۹۳).

- کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ش. ۵۰ (۱۱۳ برگ؛ تاریخ کتابت: اوایل ربیع‌الاول ۶۸۷؛ کاتب: محمود بن محمود بن اقبال).





۲-۲-۴. رساله فی فساد أصول الأبحاث التي وضعها مبرز الجدليين

ششن یک نسخه از آن معرفی میکند.<sup>(۸۳)</sup>

۲-۲-۵. المغنی فی علم الجدل

حاجی خلیفه میگوید که این رساله از نوشته‌های کوتاه در این علم است.<sup>(۸۴)</sup>

۲-۳. سه‌گانه‌های منطقی - طبیعی - حکمی

۲-۳-۱. الهدایة/الحکمة

این رساله در کنار ایساغوجی پرخواننده‌ترین اثر ابهری بوده است. در خزانه‌التراث یازده نسخه از آن معرفی شده است.<sup>(۸۵)</sup> ششن یک نسخه دیگر از آن را معرفی میکند.<sup>(۸۶)</sup> چاپ‌های متعددی از این کتاب در کشورهای مختلف وجود دارد. در ایران محمدتقی دانش‌پژوه بخش منطق آن را<sup>(۸۷)</sup> و نجفقلی حبیبی همه آن را تصحیح و چاپ کرده است.<sup>(۸۸)</sup> بر هدایه ابهری شروح فراوانی نوشته شده است و بگفته آیشنر، «در کنار شرح‌های حکمة العین کاتبی و شرح‌های الإشارات و التنبیهات ابن‌سینا، شروحو که بر هدایه او نوشته شدند نقشی کانونی در استمرار و بهبود سنت آموزشی فلسفه پسا سینیوی داشتند.» حاجی خلیفه فهرست بلندی از شروح و حواشی این کتاب بدست داده است.<sup>(۸۹)</sup> اما در این فهرست، شرح صدرالدین شیرازی از قلم افتاده است. این اثر با عنوان شرح الهدایة الأثریة به تصحیح محمد مصطفی فولادکار در بیروت به سال ۱۴۲۲ ه. ق. بچاپ رسیده است.

۲-۳-۲. تنزيل الأفكار فی تعدیل الأسرار

برپایه گزارش ششن، چندین نسخه از این رساله در کتابخانه‌های ترکیه وجود دارد.<sup>(۹۰)</sup> نورانی از مخطوط دیگری در کتابخانه آستان قدس رضوی بنام «تنزیل الأفكار اثیرالدین ابهری» یاد میکند که به داوری او، از آن ابهری نیست.<sup>(۹۱)</sup> در خزانه‌التراث از نسخه دیگری در کتابخانه الازهریة قاهره به شماره ۴۸۷۶۶ (۳۹۷) نام برده شده<sup>(۹۲)</sup> که عکس آن در معهد المخطوطات العربیة به شماره ۶۹ موجود است. خواجه نصیرالدین طوسی شرحی انتقادی بر بخش منطق تنزیلا لأفکار ابهری بنام

۱۶۷



مهدی عظیمی / میراث اثیری؛ حیات و کارنامه اثیرالدین ابهری

سال چهارم، شماره سوم  
زمستان ۱۳۹۲  
صفحات ۱۵۱-۱۸۰

تعديل المعيار في نقد تنزيل الأفكار نوشته است که نورانی در منطق و مباحث الفاظ، آن را تصحيح و چاپ کرده است.

### ۲-۳-۳. بیان الأسرار

مخطوط فاضل احمد پاشا، (ش. ۱۶۱۸)، که در کتابخانه کوپریلی استانبول نگاه داشته میشود (و عکس آن در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران موجود است و بگفته آیشنر، رونوشتی از آن در کتابخانه مراد ملّا (ش. ۱۴۱۶) وجود دارد) دربردارنده چهار رساله از ابهری است<sup>(۹۳)</sup> که کاتبی قزوینی آنها را از نسخه اصل برای خودش رونویسی کرده و همه را نزد ابهری خوانده است. نخستین از این چهار رساله، بیان الأسرار است که به تاریخ ۱۸ شعبان ۶۲۷ ه. ق. کتابت شده و ابهری در ۴ ذیقعدة ۶۲۷ ه. ق. بر صفحه آغازین آن إنهاء نوشته است.

### ۲-۳-۴. تلخیص الحقائق

دومین از آن چهار رساله، تلخیص الحقائق است که به تاریخ ۲۸ شعبان ۶۲۷ ه. ق. کتابت شده و ابهری در ۲۵ ذیقعدة ۶۲۷ ه. ق. بر صفحه آغازین آن إنهاء نوشته است.

### ۲-۳-۵. رساله المطالع

سومین از آن چهار رساله، رساله المطالع است که به تاریخ ۹ رمضان ۶۲۷ ه. ق. کتابت شده و ابهری در ۵ ذی حجه ۶۲۷ ه. ق. بر صفحه آغازین آن إنهاء نوشته است.

### ۲-۳-۶. زبدة الحقائق

چهارمین از آن چهار رساله، زبدة الحقائق است که به تاریخ ۱۵ شوال ۶۲۷ ه. ق. کتابت شده و ابهری در اواخر ذی حجه ۶۲۷ ه. ق. بر صفحه آغازین آن إنهاء نوشته است.

### ۲-۳-۷. زبدة الأسرار

شش ذیل مدخل زبدة الحقائق از مخطوط کتابخانه فیض الله افندی (ش. ۱۲۱۰) یاد میکنند که در آن رساله‌یی جای گرفته است با افتادگی در آغاز، ولی در پایان آن

۱۶۸



آمده است:

تم كتاب زبدة الأسرار تأليف أثيرالدين المفضل بن عمر بن المفضل الأبهري  
في الحكمة...<sup>(٩٤)</sup>

گویا شش پنداشته است که این همان *زبدة الحقائق* است، ولی چنین نیست. نورانی آن را جداگانه فهرست کرده و میگوید: «خود ابهری در پایان قسم الهی *الهدایة* بدان ارجاع داده است.»<sup>(٩٥)</sup> آیشنر نیز آن را جداگانه می‌آورد و می‌افزاید: «*زبدة الأسرار* بدست ابن‌عبری به سریانی ترجمه شده است.» وی میگوید که نسخه‌یی از آن در کتابخانه آیت‌الله مرعشی (ش. ۴۰۶۰) موجود است.

#### ۲-۳-۸. کشف الحقائق فی تحریر الدقائق

نورانی میگوید که نسخه‌یی از آن در قاهره در دار الکتب المصریة (ش. ۱۶۲) موجود است و فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ش. ۱۳۴۵) ثبت شده است.<sup>(٩٦)</sup> در *خزانة التراث* دو نسخه از آن معرفی شده است: یکی همان نسخه دار الکتب المصریة است و دیگری نسخه معهد المخطوطات العربیة در قاهره (ش. ۳۱۸) است.<sup>(٩٧)</sup> نسخه دیگری از آن در کتابخانه مجلس شورا (مجموعه ش. ۲۷۵۲) نگهداری میشود و نسخه چهارمی هم در کتابخانه جارالله افندی (ش. ۱۴۳۶) وجود دارد که در اول ربیع الاول ۶۷۴ هـ. ق از روی نسخه منسوخ از اصل شمس‌الدین اصفهانی در ۱۳۴۴ برگ استنساخ شده است. ساری‌أغلو تحقیق و تصحیحی انتقادی از *کشف الحقائق* او بدست داده است:  
Esirüddin Ebheri, *Keşfu'l-Hakâik fi Tabriri'd-Dekâik*, Çantay Kitabevi, Istanbul: 2001.

زرکلی، فنواتی و موحد جامع الدقائق فی کشف الحقائق را از منطق نوشته‌های  
ابهری برشمرده‌اند<sup>(٩٨)</sup>، در حالی که این کتاب از آن کاتبی قزوینی است.<sup>(٩٩)</sup>

#### ۲-۳-۹. منتهی الأفكار فی إبانة الأسرار

میکروفیلم آن در کتابخانه مجلس شورا (مجموعه ش. ۲۷۵۲) وجود دارد. تحریر  
نخست این کتاب شامل منطق، طبیعیات و الهیات و تحریر دوم تنها شامل منطق

میشود. بخشهای منطق هر دو تحریر بدست نگارنده این سطور تصحیح و تعلیق شده و امید است که بزودی چاپ شود.

### ۲-۳-۱۰. عنوان الحق و برهان الصدق

میکروفیلم آن در مجموعه پیش گفته (کتابخانه مجلس شورا، ش. ۲۷۵۲) موجود است.

### ۲-۳-۱۱. اشارات

حاجی خلیفه از آن نام میبرد و مدرس رضوی میگوید که ابهری این رساله را در برابر اشارات ابن سینا نوشته است.<sup>(۱۰۰)</sup>

### ۲-۳-۱۲. المحصول

حاجی خلیفه از آن یاد میکند. مدرس رضوی میگوید که ابهری آن را در برابر التحصیل بهمنیار نوشته است.<sup>(۱۰۱)</sup>

### ۲-۳-۱۳. محصولی

آنگونه که مدرس رضوی میگوید، این رساله بازنوشت خود ابهری از محصول است.<sup>(۱۰۲)</sup>

### ۲-۳-۱۴. مراد المقاصد

شش دو نسخه از آن را معرفی میکند.<sup>(۱۰۳)</sup>

### ۲-۳-۱۵. رساله فی السلوک / کتاب الشکوک (؟)

شش از اثری یاد میکند بنام رساله فی السلوک که در کتابخانه ایصوفیا (ش. ۳۳۴۰) نگهداری میشود.<sup>(۱۰۴)</sup> این رساله که شش از درونمایه آن خبری نمیدهد، در سال ۹۱۱ هـ ق کتابت شده است. از سوی دیگر، آیشنر اثر دیگری را نام میبرد بنام کتاب الشکوک (ایصوفیا، ش. ۲۳۱۹) که دربردارنده «ملاحظات انتقادی درباره ملخص فخر رازی» است. اگر «سلوک» در اینجا بمعنای عرفانی کلمه باشد، با توجه به اینکه بعید است ابهری در این وادیه قلم و قدم زده باشد، آیا آنچه شش میگوید همانی نیست که آیشنر یاد میکند؟ (بویژه که بسیاری از ناسخان نقطه و سرکج نمیگذاشتند).



## ۲-۳-۱۶. کلمات عشر/مبدأ و معاد/آغاز و انجام

رساله کوتاهی به زبان فارسی است که محمدباقر سبزواری آن را در ۱۳۴۰ ه. ق در مجموعه چهارده رساله چاپ کرده است. نورانی میگوید که مخطوط این رساله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (مجموعه ش. ۲۴۰۱) نگهداری میشود.<sup>(۱۰۵)</sup>

## ۲-۴. یک رساله در علم کلام

*المسائل/رسالة مشتملة على ثمانی عشرة مسألة في الكلام وقع فيها النزاع بين الحكماء والمتكلمين و أرباب الملل و الأديان*  
این رساله که نام دقیقش، برپایه یافته ما، *تحریر الدلائل فی تقریر المسائل* است بدست نگارنده این سطور تصحیح شده و بزودی منتشر خواهد شد.

## ۲-۵. نوشته‌های ریاضی، هندسی، کیهان‌شناختی و اخترشناختی

### ۲-۵-۱. إصلاح كتاب الأسطوسات في الهندسة لأقليدس/إصلاح أصول أقليدس

ابهری در این کتاب تلاش میکند تا اصل پنجم هندسه اقلیدوس، معروف به اصل توازی، را به اثبات برساند.<sup>(۱۰۶)</sup> شمس‌الدین سمرقندی در *اشکال التأسيس* اثبات ابهری را نقل و نقد میکند، ولی میگوید که از اثبات خواجه نصیر بهتر است.<sup>(۱۰۷)</sup> برپایه گزارش ششن، از این اثر دو نسخه در ترکیه موجود است.<sup>(۱۰۸)</sup>

### ۲-۵-۲. رسالة في بركار المقطوع

در صدر این رساله آمده است که ابهری آن را هنگامی که نزد شیخ کمال‌الدین بن یونس میخوانده تحریر کرده است. ششن دو نسخه از آن را معرفی میکند.<sup>(۱۰۹)</sup> نورانی از این اثر با عنوان *رسالة من بركار المقطوع* نام میبرد و میگوید که میکروفیلمی از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ش. ۶۷۰) موجود است.<sup>(۱۱۰)</sup>

### ۲-۵-۳. غاية الإدراك في دراية الأفلاك

نورانی مخطوط (ش. ۱۰۸۲) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را معرفی میکند و می‌افزاید که پاره‌هایی از آن در میکروفیلم (ش. ۶۷۰) دانشگاه تهران موجود

۱۷۱

است.<sup>(۱۱۱)</sup> ششن نیز مجموعه (ش. ۱۷۰۶) دانشگاه مغنيسا را یاد میکند که در بردارنده نکته‌هایی برگرفته از این رساله است، نه همه آن.<sup>(۱۱۲)</sup> زرکلی از مخطوطی بنام *درایات/الأفلاک* نام میبرد که گویا همین رساله است.<sup>(۱۱۳)</sup> در *خزانه‌التراث* نیز نسخه‌یی بنام *کتاب فی درایة الأفلاک* معرفی شده است که در کتابخانه بادلی‌ین آکسفورد (ش. ۹۴۰/۱ (۹)) نگهداری میشود.<sup>(۱۱۴)</sup>

#### ۲-۵-۴. بخشی از یک رساله ناقص بی‌نام، مشتمل بر علم حساب، منسوب به ابهری

ششن از مجموعه (ش. ۳/۱۷۵۱) در کتابخانه مغنيسا یاد میکند که در آن رساله ناقص بی‌نامی وجود دارد که چنین آغاز میشود: «الفنّ الثانی فی الحساب و فیه مقالات...». این رساله در رمضان ۶۸۳ ه. ق بدست حسن بن طیب استنساخ و با نسخه اصل مقابله شده و برپایه ارزیابی ناسخ، «غیر موثوق به، کثیرالخلل» است.<sup>(۱۱۵)</sup>

#### ۲-۵-۵. مختصر فی علم الهیة

زرکلی آن را بعنوان یکی از مخطوطات ابهری یاد میکند.<sup>(۱۱۶)</sup> برپایه گزارش ششن، نسخه‌یی از آن در کتابخانه سلیمانیه موجود است.<sup>(۱۱۷)</sup> در *خزانه‌التراث* نسخه‌یی از آن معرفی شده است که در کتابخانه جارالله استانبول نگهداری میشود.<sup>(۱۱۸)</sup>

#### ۲-۵-۶. ملخص فی صناعة المجسطی

این رساله را ابهری برای کاتبی قزوینی نوشته است. ششن نسخه کتابخانه ایاصوفیا را برای آن معرفی میکند.<sup>(۱۱۹)</sup>

#### ۲-۵-۷. رساله فی معرفة الأسطرلاب/رسالة الأسطرلاب

زرکلی از آن نام میبرد.<sup>(۱۲۰)</sup> در *خزانه‌التراث* دو نسخه از آن معرفی شده است.<sup>(۱۲۱)</sup>

#### ۲-۵-۸. الزیج الشامل

برپایه گزارش حاجی‌خلیفه، این رساله مبتنی بر رساله دیگری به همین نام از ابوالوفا بوزجانی (ف. ۳۷۶ ه. ق) است.<sup>(۱۲۲)</sup> زرکلی نیز از آن یاد میکند.<sup>(۱۲۳)</sup> در *خزانه‌التراث* سه نسخه از آن معرفی شده است.<sup>(۱۲۴)</sup>

## ۲-۵-۹. الزیج المقنن

حاجی خلیفه از آن نام میبرد. توصیف وی این گمان را برمی‌انگیزد که شاید این رساله همان الزیج الشامل باشد.<sup>(۱۲۵)</sup>

## ۲-۵-۱۰. الزیج الملخص

در خزانه‌التراث نسخه‌یی از آن معرفی شده است.<sup>(۱۲۶)</sup>

## ۲-۵-۱۱. الزیج الاختیاری

نورانی میگوید که در غایة الادراک ابهری نام آن آمده است.<sup>(۱۲۷)</sup> زرکلی از آن نام میبرد و میگوید که نام دیگرش الزیج الأثیری است.<sup>(۱۲۸)</sup> در خزانه‌التراث سه نسخه از آن معرفی شده است.<sup>(۱۲۹)</sup>

## ۲-۵-۱۲. شریک الأقطار

مشمول بر چند مقاله در ریاضیات است که مقاله پنجم آن به شبهه جذر اصم (تقریری از پارادوکس دروغگو) میپردازد.<sup>(۱۳۰)</sup>

## نتیجه

در این جستار دانستیم که اثیرالدین ابهری در دهه ۵۹۰ ه. ق. در ابهر زاده شده است؛ شهری کوچک در میانه قزوین و زنجان. با احتمال، آموزشهای آغازین خود را در این شهر دیده و سپس در حدود دهه ۶۰۰ ه. ق. برای تکمیل تحصیلات، بویژه در منطق و فلسفه، به سمرقند و دیگر کانونهای علمی خراسان کوچیده است. در این دوره با رکن‌الدین عمیدی (ف. حدود ۶۱۰ ه. ق.) و زین‌الدین کشی (شکوفایی: نیمه نخست قرن هفتم هجری) دیدار داشته و احتمالاً از درس قطب‌الدین مصری (ف. ۱۷۳ ۶۱۸ ه. ق.) بهره برده است. پس از سیراب شدن از چشمه‌های دانش خراسان، به آهنگ فراگیری کیهان‌شناسی، اخترشناسی، هندسه و ریاضیات نزد کمال‌الدین بن یونس (ف. ۶۳۹ ه. ق.)، راهی موصل شده است. تقریباً از پیش از ۶۲۵ تا ۶۴۶ ه. ق. در موصل به آموزش و آموزانش سرگرم بوده و در این مدت سفرهای کوتاه و بلندی



هم به شهرهای اطراف موصل داشته است؛ به اربیل نزد ابن خَلکان (ف. ۶۸۱ ه. ق.) شاگرد او در علم خلاف و به الجزیره نزد محیی‌الدین جزری (ف. ۶۵۱ ه. ق.) حامی مالی او. بنظر میرسد در همین دوره بوده است که نجم‌الدین کاتبی (ف. ۶۷۵ ه. ق.) شاگردی ابهری را میکرده است. وی سپس در حدود ۶۴۶ ه. ق. به ایران بازگشته و پیش از ۶۷۴ ه. ق. در شبستر یا شوشتر درگذشته است. اثیرالدین از نظر فقهی احتمالاً شافعی‌مذهب و از نظر کلامی بطورقطع یک اشعری میانه‌رو بوده است. همچنین در این نوشتار، فهرست نسبتاً کاملی از نسخ خطی و چاپی آثار ابهری بدست داده شده است.

### پی‌نوشتها:

۱. «إنهاء» یادداشت نویسنده در آغاز یا انجام اثر است که در آن تأیید میکند کاتب یا شخص دیگری که نسخه را در دست دارد، مطالعه تمام یا بخشی از اثر را نزد وی به پایان رسانده است. درباره انهاء ابهری برای کاتبی، ر.ک: § ۱-۷-۱.
2. Rescher, *Development of Arabic Logic*, p. 196.
۳. الرویهب، خالد، مقدمه کشف الأسرار خونجی، ص xxiii، پاورقی ۶۳. مترجم فارسی مقدمه رویه‌ب تاریخ منقول از رشر را به‌خطا سال ۶۰۰ ه. ق. محاسبه کرده است.
۴. ر.ک: بخش ۱ - ۹ - ۱ نوشتار حاضر.
۵. ر.ک: بخش ۱ - ۱ نوشتار حاضر.
۶. ابن‌قیسرانی، ابوالفضل محمدبن طاهر، (ف. ۵۰۷ ه. ق.)، *المؤتلف و المختلف*، ج ۱، ص ۲۶؛ سمعانی، عبدالکریم بن محمد (ف. ۵۶۲ ه. ق.)، *الأنساب*، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی و غیره، ص ۱۰۳؛ حَمَوی یاقوت بن عبدالله، (ف. ۶۲۶ ه. ق.)، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۸۳.
۷. موحد، «اثیرالدین ابهری»، ص ۵۸۶-۵۹۰.
- Eichner, "Al-Abharī, Athīr al-Dīn".
8. Rescher, *op. cit.*, p. 196; Anawati, "Abharī, Athīr al-Dīn", p. 216; Sarioğlu, "Abharī: Athīr al-Dīn al-Mufaḍḍal ibn 'Umar ibn al-Mufaḍḍal al-Samarqandī al-Abharī", *The Biographical Encyclopedia of Astronomers*, p. 7.
- (توجه شود که در برخی از لهجه‌های زبان عربی، مانند لهجه مصری و لبنانی، «ق» را «ه» تلفظ میکنند.)
۹. ابن خَلکان، احمد بن محمد، و *فیات الأعیان*، ج ۵، ص ۳۱۳.
۱۰. زرکلی، خیرالدین، *الأعلام*، ج ۷، ص ۲۷۹؛ بغدادی، *هدیه‌المعارفین*، ج ۲، ص ۴۶۹؛ Anawati, *op. cit.*, p. 216; Sarioğlu, *op. cit.*, p. 7.
۱۱. موحد، «اثیرالدین ابهری»، ص ۵۸۶.
- Sarioğlu, *op. cit.*, p. 7.
12. Sarioğlu, *op. cit.*, p. 7.
۱۳. ر.ک: بخش ۱ - ۹ - ۱ نوشتار حاضر.

۱۷۴



سال چهارم، شماره سوم  
زمستان ۱۳۹۲



۱۴. هدایت، رضا قلی خان، فهرس التواریخ، ص ۱۵۹؛ اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، ص ۵۹۰.

۱۵. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله کاتب حلبی، کشف الظنون، ج ۲، ص ۹۵۳، ۱۴۸۹ و ۱۷۵۰.

16. Rescher, *op. cit.*, p.196; Anawati, *op. cit.*, p. 216.

فاندیک، ادوارد کرنیلیوس، اکتفاءالتنوع، ج ۱، ص ۱۹۹.

۱۷. اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، ص ۵۰۰؛ مدرس رضوی، محمد تقی، احوال و آثار خواجه نصیر، ص ۱۸۵.

۱۸. موحد، «اثیرالدین ابهری»، ص ۵۸۷.

Eichner, *op. cit.*

۱۹. ابهری، اثیرالدین، کشف الحقائق (مخطوط جارالله افندی، ش. ۱۴۳۶). از این پس در سراسر این نوشتار «ش.» کوتاه‌نوشت «شماره» است.

۲۰. همان، ص ۱۲۵ب. یادکرد این نکته بایسته است که این یادداشت به خط شخصی غیر از ناسخ رونویسی شده است؛ گویا از اینرو که برگ دربردارنده این یادداشت از کتاب جدا شده و آن شخص آن را در صفحه پیش از آخر که از قضا جای خالی هم داشته، رونویسی کرده است. این مطلب از یادداشت حاشیه بدست می‌آید: «جميع ما في هذا الوجه من هذه الورقة وجدته في الورقة المقطوعة الذي المكتوب على الباقي منها هذه العلامة ۲۲۲ بخط الناسخ فنقلته منّا بتاريخ يوم الثلاثاء الثاني والعشرين من شهر جمادى الآخرة سنة ثمان و سبعين و ستمائة بالقاهرة و قطعت تلك الورقة...».

۲۱. ر.ک: بخش ۱ - ۹ - ۵ نوشتار حاضر.

۲۲. قس: موحد، «اثیرالدین ابهری»، ص ۵۸۷؛ حلبی، تاریخ فلاسفة ایرانی...، ص ۵۴۸ و ۵۴۹.

۲۳. مستوفی، حمدلله، تاریخ گزیده، باهتمام عبدالحسین نوائی، ص ۶۸۵.

۲۴. طوسی، تعدیل المعیار، ص ۱۳۹.

۲۵. مقدمه تعدیل المعیار طوسی، ص ۴۳.

26. Sarioğlu, *op. cit.*, p. 7; Şeşen, *Mukhtārāt min al-makhḥḥāt al-'Aarabiyya al-nādira fī maktabāt Turkiyya*, p. 270.

۲۷. مقدمه تعدیل المعیار، ص ۴۰؛

Şeşen, *op. cit.*, p. 268.

۲۸. ابن خلکان، وفیات الأعیان، ج ۵، ص ۳۱۳. ابن خلکان همچنین درباره میزان احترام ابهری به استادش ابن یونس دو حکایت خواندنی نقل میکند و می‌افزاید که ابهری دستیار (مُعید) شیخ در مدرسه بدریه (موصل) بوده است (همانجا).

29. Sarioğlu, *op. cit.*, p. 7.

۱۷۵

۳۰. مقدمه کشف الأسرار خونجی، ص xxiii-xxiv.

۳۱. تاریخ مختصر الدول، ص ۲۵۴.

۳۲. دغیم موسوعه مصطلحات الإمام فخرالدین الرازی، ص ۱۰؛ موحد، «اثیرالدین...»، ص ۵۸۶.

۳۳. مقدمه تعدیل المعیار طوسی، ص ۳۶؛ حلبی، علی اصغر، تاریخ فلاسفة ایرانی، ص ۵۴۸؛

Sarioğlu *op. cit.*, p. 7; Eichner, *op. cit.*

34. Rescher, *op. cit.*, p.76.

۳۵. مقدمه کشف الأسرار خونجی، ص xii-xiii؛ همچنین ر.ک: صفدی، صلاح‌الدین خلیل بن أبیبک، الوافی



بالوفیات، ج ۲، ص ۱۰۱.

۳۶. مخطوط، کتابخانه ایاصوفیا، ش. ۲۵۸۳ مکرر.

37. Şeşen, *op. cit.*, p. 271.

۳۸. مخطوط فاضل احمد پاشا، ش. ۱۶۱۸.

۳۹. کاتبی و میرک بخاری، حکمة العین و شرحه، ص ۴۶۲.

۴۰. الوافی بالوفیات، ج ۲، ص ۱۰۱.

۴۱. ر.ک: نورانی، *أجوبة المسائل النصيرية*، ص ۲۷۳-۲۷۷.

۴۲. خلاف، آنگونه که تهبانوی در *کشاف اصطلاحات الفنون* (ج ۱، ص ۳۸) آورده، علمی است مشتمل بر «قواعدی که ما را به فقه [یعنی فهم حکم شرع] میرسانند، ولی نه بر وجه تحقیق، بلکه هدف از آن الزام خصم است» و برپایه تعریف حاجی خلیفه در *کشف الظنون* (ج ۱، ص ۷۲۱) «علمی است که با آن چگونگی وارد کردن حجتهای شرعی و دفع شبههها و اشکالهای ادله خلافی با وارد کردن برهانهای قطعی دانسته میشود و این [علم] همان جدل است که بخشی از منطق میباشد، جز اینکه به مقاصد دینی اختصاص یافته است.» *الرسالة الزاهرة* نمونه‌یی از نوشته‌های ابهری در علم خلاف است. نگارنده این سطور، پیشتر در مقدمه و شرح خود بر تصحیحی که از *الرسالة الزاهرة* به دست داده (ص ۱۳۲)، این نکته را یاد کرده است که منظور از «جدل» در این رساله جدل ارسطویی نیست، بلکه نوعی روش مجامحه است که بیشتر در میان فقیهان رواج داشته است.

۴۳. *وفیات الأعیان*، ج ۵، ص ۳۱۳.

۴۴. قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، *آثار البلاد*، ص ۴۶۳ و ۵۳۶؛ همچنین ر.ک: بخشهای ۱ - ۹ - ۱ و ۱ - ۹ - ۲ نوشتار حاضر.

۴۵. موحد، «اثیرالدین...»، ص ۵۸۷.

۴۶. ر.ک: مقدمه *کشف الأسرار خونجی*، ص xxiii-xxv.

۴۷. *آثار البلاد*، ص ۵۳۶.

۴۸. کشی، زین‌الدین عبدالرحمن، *حدائق الحقائق*، ص ۲.

۴۹. ابهری، *منتهی الأفکار*، ص ۲۲۷؛ همو، *کشف الحقائق*، ص ۴۵.

۵۰. ابن‌العبری، *تاریخ مختصر الدول*، ص ۲۵۴.

۵۱. الوافی بالوفیات، ج ۲، ص ۱۰۱.

۵۲. جوینی، عطامک، *تاریخ جهانگشا*، ج ۲، ص ۱۰۰.

۵۳. *تاریخ مختصر الدول*، ص ۲۵۳.

۵۴. ر.ک: *وفی اتالاعیان*، ج ۵، ص ۳۱۳.

۵۵. ر.ک: *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۱۳۸؛ اربیل کنونی در ۸۰ کیلومتری شرق موصل واقع است.

۵۶. *آثار البلاد*، ص ۴۶۳.

۵۷. ابن‌واصل، جمال‌الدین محمد، *مفرج الکروب*، ج ۴، ص ۲۴۲.

۵۸. واقع در شمال عراق، در میان کوههای آناتولی و رودهای دجله و فرات.

۵۹. الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۱۴۳؛ همچنین ر.ک: التیفاشی، ابوالعباس احمد بن یوسف، *مقدمه سرور النفس*،

بمدارک الحواس الخمس، ج ۱، ص ۱۰.

۶۰. *احوال و آثار خواجه نصیر*، ص ۱۸۳.

۶۱. یعنی آناتولی، آسیای صغیر.



۶۲. یعنی ایران.
۶۳. واقع در شمال سوریه کنونی.
۶۴. قلعه‌یی واقع در استان رقه، شمال سوریه کنونی. بقایایی از این قلعه هنوز موجود است.
۶۵. شهری بر کرانه رود نیل واقع در استان قنا در مصر کنونی.
۶۶. واقع در اردن.
۶۷. العسقلانی، ابن حجر، الدرر الكامنة، ج ۱، ص ۴۴۱.
۶۸. سرکیس، معجم المطبوعات العربیة و المعریة، ج ۱، ص ۳۳۳؛ کردعلی، محمد بن عبدالرزاق بن محمد، خطط الشام، ج ۴، ص ۴۵؛ احوال و آثار خواجه نصیر، ص ۱۸۳.
۶۹. ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل، المختصر فی أخبار البشر، ج ۳، ص ۱۷۰.
۷۰. ر.ک: بخش ۲ - ۴ نوشتار حاضر.
۷۱. موحد، «اثیرالدین ابهری»، ص ۵۸۷؛ احوال و آثار خواجه نصیر، ص ۱۸۵.
۷۲. مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۶۸۵.
۷۳. ر.ک: پی‌نوشت ۴۲ نوشتار حاضر.
۷۴. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۲۰۶؛ حلبی، تاریخ فلاسفة ایرانی، ص ۵۴۹.
75. Anawati, *op. cit.*, p. 216.
۷۶. کشف الظنون، ج ۱، ص ۲۰۶.
۷۷. اکتفاءالقنوع، ج ۱، ص ۱۹۹.
۷۸. کشف الظنون، ج ۱، ص ۲۰۶-۲۰۸.
79. Anawati, *op. cit.*, p. 216.
80. Şeşen, *op. cit.*, p. 268.
۸۱. کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۹۷۷.
82. Şeşen, *op. cit.*, p. 267.
- مقدمه تعدیل المعیار طوسی، ص ۳۹؛
83. Şeşen, *op. cit.*, p. 269.
۸۴. کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۷۵۰.
۸۵. خزانه‌التراث، ج ۳۶، ص ۲۳۸.
86. Şeşen, *op. cit.*, p. 272.
۸۷. ر.ک: بخش ۲ - ۱ - ۲ نوشتار حاضر.
۸۸. ر.ک: خرد و خردورزی: ارج‌نامه دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، تهران، ۱۳۸۷.
۸۹. کشف الظنون، ج ۲، ص ۲۰۲۸ و ۲۰۲۹.
- ۱۷۷ 90. Şeşen, *op. cit.*, p. 267.
۹۱. نورانی، مقدمه تعدیل المعیار طوسی، ص ۴۴.
۹۲. خزانه‌التراث، ج ۳۶، ص ۲۶۷.
۹۳. ما از این پس، این چهار رساله را، چونان اسم علم چهار رساله میخوانیم - به تداعی چهار مقاله عروضی سمرقندی.
94. Şeşen, *op. cit.*, p. 269.
۹۵. مقدمه تعدیل المعیار طوسی، ص ۴۰.
۹۶. همان، ص ۳۹.

۹۷. خزانه التراث، ج ۳۶، ص ۲۶۵.
۹۸. الأعلام، ج ۷، ص ۲۷۹؛ موحد، «اثیرالدین ابهری»، ص ۵۸۹؛
- Anawati, *op. cit.*, p. 217.
۹۹. ر.ک: کشف الظنون، ج ۱، ص ۵۴۰؛ بغدادی، هدیه العارفين، ج ۱، ص ۷۱۳.
۱۰۰. کشف الظنون، ج ۱، ص ۹۷؛ احوال و آثار خواجه نصیر، ص ۱۰۵.
۱۰۱. همان، ج ۲، ص ۱۶۱۶؛ همان، ص ۱۰۵.
۱۰۲. احوال و آثار خواجه نصیر، ص ۱۰۵.
103. Şeşen, *op. cit.*, p. 271.
104. Şeşen, *op. cit.*, p. 268.
۱۰۵. مقدمه تعدیل المعیار طوسی، ص ۳۸.
۱۰۶. ر.ک: موحد، «اثیرالدین ابهری»، ص ۵۸۷ و ۵۸۸.
۱۰۷. ر.ک: قربانی، ص ۱۲۱ و ۱۲۲؛
- Sarioğlu, *op. cit.*, p. 8.
108. Şeşen, *op. cit.*, p. 266.
109. Şeşen, *op. cit.*, p. 268.
۱۱۰. مقدمه تعدیل المعیار طوسی، ص ۴۰.
۱۱۱. همانجا.
112. Şeşen, *op. cit.*, p. 269.
۱۱۳. زرکلی، الأعلام، ج ۷، ص ۲۷۹.
۱۱۴. خزانه التراث، ج ۳۶، ص ۲۷۰.
115. Şeşen, *op. cit.*, p. 269-270.
۱۱۶. الأعلام، ج ۷، ص ۲۷۹.
117. Şeşen, *op. cit.*, p. 271.
۱۱۸. خزانه التراث، ج ۳۶، ص ۲۶۳.
119. Şeşen, *op. cit.*, p. 271.
۱۲۰. الأعلام، ج ۸، ص ۲۰۳.
۱۲۱. خزانه التراث، ج ۳۶، ص ۲۶۴.
۱۲۲. کشف الظنون، ج ۲، ص ۹۶۹.
۱۲۳. الأعلام، ج ۷، ص ۲۷۹.
۱۲۴. خزانه التراث، ج ۳۶، ص ۲۷۱.
۱۲۵. کشف الظنون، ج ۲، ص ۹۷۱.
۱۲۶. خزانه التراث، ج ۳۶، ص ۲۷۲.
۱۲۷. مقدمه تعدیل المعیار طوسی، ص ۴۱.
۱۲۸. الأعلام، ج ۷، ص ۲۷۹.
۱۲۹. خزانه التراث، ج ۳۶، ص ۲۷۳.
۱۳۰. ر.ک: موحد، «اثیرالدین ابهری»، ص ۵۸۹.

## منابع فارسی:

۱. ابن خَلکان، أحمد بن محمد، *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان*، تحقیق إحسان عباس، بیروت، دار صادر، ج ۵، ۱۹۹۴ م.
۲. ابن العبری، أبو الفرج، *تاریخ مختصر الدول*، تحقیق أنطون صالحانی الیسوعی، بیروت، دارالشرق، ۱۹۹۲ م.
۳. ابن قیسرانی، أبو الفضل محمد بن طاهر، *المؤتلف و المختلف (= الأنساب المتفقة فی الخط المتماثلة فی النقط والضبط)*، تحقیق دیبونج، بریل، لیدن، ۱۸۶۵ م.
۴. ابهری، اثیرالدین، *منتهی الأفكار فی إیانة الأسرار*، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه شماره ۲۷۵۲.
۵. \_\_\_\_\_، *کشف الحقائق فی تحریر الدقائق*، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه شماره ۲۷۵۲.
۶. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۶.
۷. اقبال آشتیانی، عباس، *تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.
۸. ابن واصل، جمال الدین محمد، *مفترج الکروب فی أخبار بنی آیوب*، حقه و وضع حواشیه الدكتور حسنین محمد ربیع، راجعه و قدم له الدكتور سعید عبدالفتاح عاشور، قاهره، دار الکتب و الوثائق القومية، ج ۴، بی تا.
۹. أبو الفداء عماد الدین إسماعیل، *المختصر فی أخبار البشر*، المطبعة الحسینیة المصریة، ج ۴، بی تا.
۱۰. التهانوی، محمد علی، *کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م.
۱۱. النیفاشی، أبو العباس أحمد بن یوسف، *سرور النفس بمدارک الحواس الخمس*، هذبه محمد بن جلال دین المکرم (ابن منظور)، تحقیق إحسان عباس، بیروت، المؤسسة العربیة للدراسات و النشر، ۱۹۸۰ م.
۱۲. جوینی، عطاملک، *تاریخ جهانگشا*، تصحیح محمد قزوینی، تهران، دنیای کتاب، ج ۳، ۱۳۸۵.
۱۳. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله کاتب جلبی، *کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون*، بغداد، مکتبه المثنی، ۱۹۴۱ م.
۱۴. حلبی، علی اصغر، *تاریخ فلاسفه ایرانی از آغاز اسلام تا امروز*، تهران، انتشارات زوآر، ۱۳۸۱.
۱۵. حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر، ج ۷، ۱۹۹۵ م.
۱۶. *خزانه التراث: فهرس شامل لعناوین المخطوطات و أماكنها و أرقام حفظها فی مکتبات العالم*، ریاض، مرکز الملك فیصل للبحوث و الدراسات الإسلامیة، بی تا، (CD).
۱۷. دانش پژوه، محمد تقی، «دو رساله در منطق»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، ش ۱۷، ۱۳۴۰، ص ۹۴-۴۵۷.
۱۸. دغیم، سمیح، *موسوعه مصطلحات الإمام فخرالدین الرازی*، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۲۰۰۱ م.
۱۹. رویهب، خالد ← خونجی، افضل الدین.
۲۰. الزرکلی، خیرالدین، *الأعلام*، بیروت، دار العلم للملایین، ۲۰۰۲ م.
۲۱. سرکیس، یوسف بن إلیان بن موسی، *معجم المطبوعات العربیة و المعریة*، مصر، مطبعة سرکیس، ۱۳۴۶ ق / ۱۹۲۸ م.
۲۲. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، *الأنساب*، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی و غیره، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۸۲ هـ.
۲۳. الصفدی، صلاح الدین خلیل بن أبیک، *الوافیب الوفیات*، تحقیق أحمد الأرناؤ و طو ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث، ۲۰۰۰ م.
۲۴. طوسی، خواجه نصیر، *تعديل المعیار فی تقد تنزیل الأفكار*، مهدی محقق؛ ایزوتسو توشی هیکو، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل با همکاری دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.

۲۵. العسقلانی، ابن حجر، الدرر الكامنة فی أعيان المائة الثامنة، بمراقبة محمد عبدالمعیدضان، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانية، ج ۶، ۱۳۹۲ق/ ۱۹۷۲م.
۲۶. عظیمی، مهدی؛ هاشم قربانی، «الرسالة الزاهرة نوشته اثیرالدین ابهری: نسخه شناسی، متن شناسی، تصحیح و تحلیل»، فلسفه و کلام اسلامی، ش ۲، سال ۴۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۰۹-۱۴۱.
۲۷. فاندیک، ادوارد کرنیلیوس، اکتفاء الفنونع ما هو مطبوع: أشهر التألیف العربیة فی المطابع الشرقیة و الغربیة، صححه و زاد علیه السيد محمد علی البیلاوی، مصر، مطبعة التألیف (الهلال)، ۱۳۱۳ق/ ۱۸۹۶م.
۲۸. قربانی، ابوالقاسم، زندگی نامه ریاضیدانان دوره اسلامی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
۲۹. القزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، آثار البلاد و أخبار العباد، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۰م.
۳۰. کاتبی قزوینی، نجم الدین علی (ماتن) و شمس الدین میرک بخاری (شارح)، حکمة العین و شرحه، مقدمه و تصحیح جعفر زاهدی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۰.
۳۱. کردعلی، محمد بن عبدالرزاق بن محمد، خطط الشام، دمشق، مکتبه النوری، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
۳۲. کشی، زین الدین عبدالرحمن، حدائق الحقائق، مخطوط فاضل احمد پاشا، ۸۶۴.
۳۳. محقق، مهدی؛ توشی هیکو، ایزوتسو، منطق و مباحث الفاظ، تهران انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۳۴. مدرس رضوی، محمدتقی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۰.
۳۵. مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، باهتمام عبدالحسین نوائی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۳۶. لاموحد، صمد، «اثیرالدین ابهری»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ج ۶، ۱۳۷۳.
۳۷. نورانی، أجویة المسائل النصیریة، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۳.
۳۸. \_\_\_\_\_، مقدمة تعدیل المعیار طوسی، مهدی محقق؛ ایزوتسو توشی هیکو، تهران، ۱۳۵۳.
۳۹. هدایت، رضاقلی خان، فهرس التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
۴۰. یافعی، ابو محمد عقیف الدین، مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان، وضع حواشیه خلیل المنصور، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۷م.

### منابع انگلیسی:

1. Anawati, G. C., "Abharī, Athīr al-Dīn", *Encyclopedia Iranica*, vol. I, Fasc. 2, pp. 216-217.
2. Eichner, Heidrun, "Al-Abharī, Athīr al-Dīn", *Encyclopaedia of Islam, THREE*, Brill Online, 2012.
3. Rescher, N., *The Development of Arabic Logic*, Pittsburgh, 1964.
4. Sarioğlu, H., "Abharī: Athīr al-Dīn al-Mufaḍḍal ibn 'Umar ibn al-Mufaḍḍal al-Samarqandī al-Abharī", *The Biographical Encyclopedia of Astronomers*, Thomas Hockey et al. (eds.), New York: Springer, 2007.
5. Şeşen, Ramazan, *Mukhtārāt min al-makbūḥāt al-'Arabīyya al-nādīra fī maktabāt Turkiyya*, takdim Ekmeleddin İhsanoğlu, İslām Tarih, Sanat ve Kültürünü Araştırma Vakfı (İSAR), İstanbul, 1997.

۱۸۰



سال چهارم، شماره سوم  
زمستان ۱۳۹۲